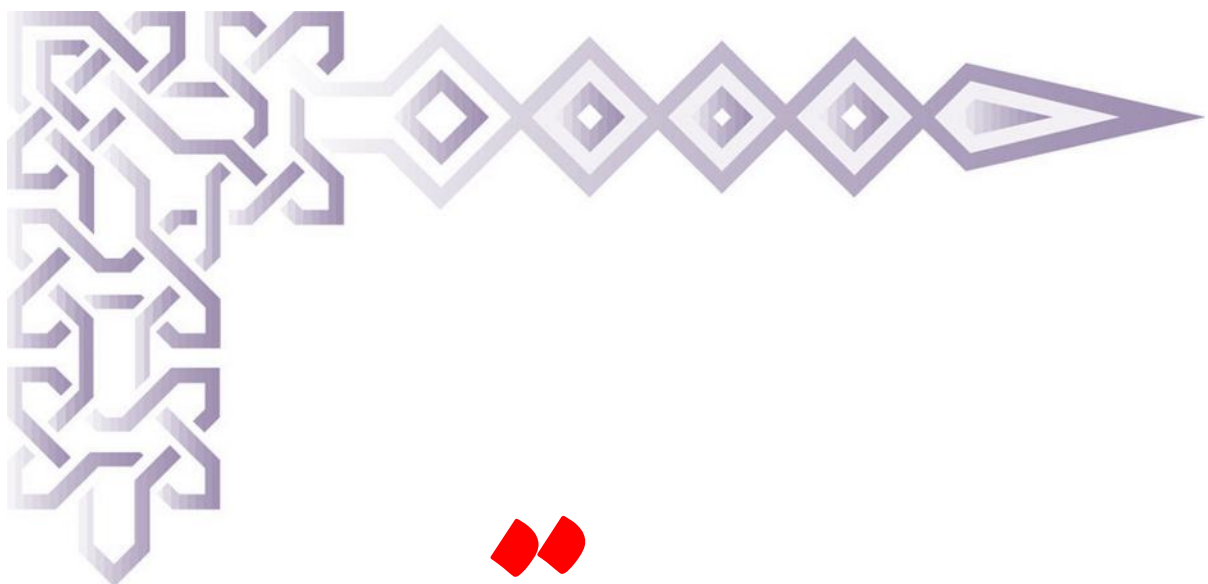




حرف تازه

شورای بررسی «نظریه های نوین» در ساحت علوم اسلامی



تیرماه ۱۳۹۲





مندرجات

- ← ضرورت‌ها و چالش‌ها
- ← رشد علم در گروی تضارب آراء
- ← سدّ انحراف متوقف بر اطلاع به موقع
- ← رشد فن‌آوری و سرعت‌های مضرّ
- ← دشواری‌های دسترسی به آراء نوین
- ← فاصله‌ها و کارشناسان واسطه
- ← آیندگان و اطلاع‌رسانی صحیح
- ← شورای جمع‌آوری مستند آراء؛ صحیح و غلط
- ← معرفی «شورای حرف تازه»
- ← اهداف تأسیس شورا
- ← وابستگی‌ها و حجّیت‌ها
- ← گستره دانش‌های تحت نظارت
- ← گستره محیطی فعالیت شورا
- ← الزامات پیش‌رو



ضرورت‌ها و چالش‌ها

رشد علم در گروی تضارب آراء

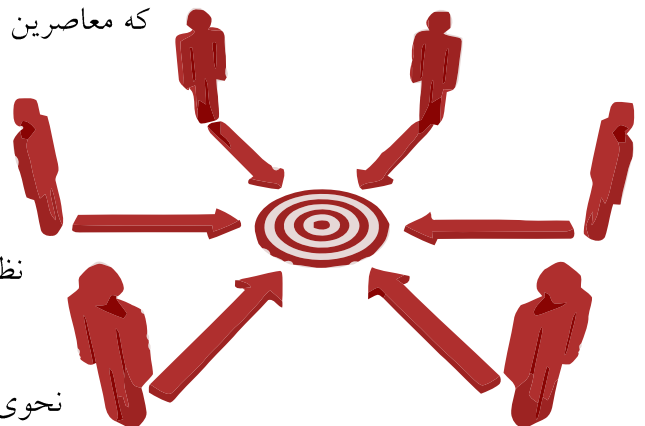
می‌توان به ناتوانی‌های ادراکی بشر استناد کرد و هم‌پوشانی آن به واسطه مشارکت اندیشه‌ها را تنها راه تکامل ادراک انسان دانست. اما أدلّ الدلیل همان وقوع است.

نگاهی به گذشته تمامی علوم بشری، ما را در پذیرش این مطلب که «رشد علم در گروی تضارب آراء» است بی‌نیاز از استدلال می‌نماید. تجاربی که «علم فقه» از آن مستقل و جدا نیست.



مطلب را بدین‌گونه خلاصه می‌کنیم و از ارائه براهین مفصله خلاصی می‌جوئیم و معروض می‌داریم: نقد و نقض و بررسی و تحلیل آراء گذشتگان از فقها توسط متأخرین، همیشه راهی به سوی نوآوری‌های بدیع و راهگشا گشوده است و بن‌بست‌های حُکمی را از فراروی تفقه اسلامی برداشته است. اجتهاد در معنای تام آن چیزی جز همین ملاحظات بر اندیشه و آراء سایرین نیست. این‌که فقیه تمامی گفته‌ها را تجمیع نماید، با عقل خود بسنجد، به نقل عرضه کند، ادله و براهین را ببیند و در نهایت، اگر با رأی فقیهی موافق بود بیان کرده و اگر رأی جدیدی به دست آورد به عنوان نظر خود بیان نماید.

در بعضی از مننه گذشته، معمولاً در تاریخ بسیار دور، روابط اندیشمندان عرصه علوم اسلامی آن چنان نزدیک بود که معاصرین نیز به نقد اندیشه‌های یکدیگر مبادرت نموده، آراء هم را اصلاح می‌کردند. این عمل آن چنان قدرت برتری در تفکر به فقها می‌دهد که می‌توانند به اندازه دهه‌ها علم را به رشد و ترقی برسانند؛ این‌که نقد یکی به دیگری برسد و او پاسخ دهد و دوباره نقد به منتقد باز گردد. چرخه‌ای طلایی که «کرسی‌های نظریه‌پردازی» با التفات به همین معنا پیشنهاد شد.



امروزه فضای ارتباطی در علوم اسلامی، در حوزه علمیه، به نحوی سامان نیافته که نقد معاصرین جای داشته باشد و مقدور گردد.

هم‌جواری اندیشمندان این علوم جهت مناظره و گفتگو و مباحثه در سطوح عالی علم و دانش و در مرزهای تفکر، بسیار دشوار، بل ناممکن گشته است.

چنین واقعه ناگواری، قطعاً، رشد علم را کند نموده و اجتهاد را از پویایی می‌اندازد؛ هم به علم فقه و توابع آن از اصول و رجال و درایه آسیب می‌زند و هم به تفسیر و فلسفه و اخلاق و حتی ادبیات عرب، آن‌جایی که به امر دین مربوط می‌گردد و فهم متون دینی.

سدّ انحراف متوقف بر اطلاع به موقع

اگر رشد علوم متوقف بر تضارب آراء باشد که هست، باید التزام به لوازم آن نیز واقع شود که مهم‌ترین لازمه آن آزادی بیان در عرصه علمی است؛ آزادیِ ارائهِ نوآوری‌های در ساحت اندیشه، ولو غلط و نادرست و ناروا.

طبیعتاً اگر هزینه آزادی را نپردازیم، فضای نظریه‌پردازی گشوده نمی‌شود و هزینه آزادی همان وقوع احتمالات نادرست و طرح اندیشه‌های باطل است. طبیعی است که عده‌ای از آراء طرح شده در علوم اسلامی، از بُن‌مایه‌های صحیح نظریه‌پردازی دینی تبعیت ننموده و دچار انحراف شوند. با این انحرافات چه باید کرد؟!

اگر این نظریات در سطح عموم جامعه منتشر شود و ملاحظات محیط‌های علمی مورد توجه قرار نگیرد، شاید بتوان امر را به نظارت‌های حراستی و حفاظتی واگذار نمود، ولی برای علوم اسلامی و حوزه علمیه، کدام جایگاه حفاظتی وجود دارد؟!

سالیانی پیش هنگامی که کتاب‌هایی با نام مستعار «عین صاد» منتشر شد و فضای مه‌آلودی در حوزه پدید آورد که بعضی گمان به مزاحمت اندیشه‌های مذکور در این کتب با انقلاب اسلامی و آرمان‌های رهبری آن بردند، این جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم بود که صاحب اندیشه مذکور را فراخواند، میز مذاکره‌ای شکل داد، جلسه‌ای به مدیریت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، و ایشان پرسش‌هایی آگاهی‌بخش از نامبرده طرح کرد. مخالفت‌های پدر او در سیر مبارزه امام خمینی (ره) نیز مزید بر توهم شده بود که همه این‌ها با برگزاری این جلسه ختم به خیر شد و سوء تفاهمات برطرف گشت. این یکی از راهکارهای برخورد با اندیشه‌هایی است که به نظر انحرافی می‌آیند.



اما اگر اندیشه‌ای صرفاً در محیط علمی منتشر شده است و قصد تشویش اذهان را هم نداشته، یا سطح گوینده آن‌چنان است که امکان چنین حراست‌هایی را از امثال جامعه مدرسین بگیرد، چه باید کرد؟!

بی‌تردید در چنین موقعیت‌هایی نیاز به «تضارب آراء» دوباره پدید می‌آید. اندیشه باطل در سایه عدم حضور نقد و نقض است که فرصت رشد می‌یابد. مثلاً تساوی دیه زن و مرد، ارث زن و مرد، عدم وجوب ردّ فاضل دیه برای قصاص، بلوغ سیزده ساله دختر. این‌ها نظریات فردی است که روزی به عنوان مرجع شیعه معرفی شد و مورد استقبال گروهی قرار گرفت و آراء وی در جامعه ترویج گشت. اما چه کسی پاسخ خواهد داد به فتاوی شاذ؟!

حتماً نیاز به فضایی است که در آن فضا، به سرعت این نظریات از سوی سایرینی که در سطح علمی نامبرده باشند بررسی شده و ادله مدخوله مذکوره نقض گردند. این نیز یک ضرورت دیگر برای تضارب اندیشه‌هاست.

رشد فن‌آوری و سرعت‌های مضرّ

تکنولوژی رشد کرده و سبب شده انتقال شبهات بسیار سریع شود. نظریه‌ای در یک گوشه از عالم، فوراً به استحضار جمع کثیری از مؤمنین می‌رسد و می‌تواند مفید یا مضرّ باشد. سابق بر این، کندی دسترسی به اطلاعات، مانع آسیب ناشی از آراء ناقص و ضعیف می‌گردید. تا اندیشه باطل به بطن جامعه راه یابد، به گوش بزرگان رسیده و مورد نقد قرار می‌گرفت. فردی اگر کتابی می‌نوشت و اسرار هزارساله‌اش می‌نامید، تا مردم بیایند و بخوانند، پاسخ از سوی مراجع و اساتید حوزه تنظیم شده و در قالب کتاب یا مقاله منتشر می‌شد. امروزه فرصت و زمان برای پاسخگویی اندک است و تا به خود بجنبیم، انحرافات عظیم واقع شده.

دشواری‌های دسترسی به آراء نوین

حجم زیاد اطلاعات، کثرت داده‌های غیرمفید، فضای علم و دانش را آن‌چنان غبارآلود نموده که دریافتن این‌که کدام حرف تازه است و کدام حرف تکراری بر گذشته‌ها، سخت گشته و دشوار.



نشریات فراوانی هر روزه منتشر می‌شوند، حرف‌های زیادی در علوم اسلامی گفته می‌شود، این همه کتاب هر روزه در حال چاپ شدن، اگر دانشمندی بخواهد آخرین حرف‌ها را بشنود تا فرصت نقد و بررسی بیاید، تا تضارب آراء شکل دهد و بتواند مرزهای علم را یک قدم به جلو ببرد، باید این حجم کثیر از اطلاعات را ببیند و از میان هزاران صفحه مطلب، تنها دو سه خطی که تازگی دارد برگزیند و تحصیل کند.

زیاد شدن گستره عالمان مجیزگو، تکرارکنندگان و اکویش‌گان، مقاله‌نویسان و پایان‌نامه‌نویسان تکرارشونده، که به قول معروف

کارشان جز این نیست: «تایپ از روی چند کتاب و صفحه‌بندی به عنوان یک کتاب جدید»، کار را در مرزهای دانش سخت کرده است. حجم دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم اسلامی زیاد شده است و این حجم

کثیر مشغول تولید اطلاعات غیرمفید، بی‌جا و تکراری شده، چیزهایی که بیشتر مصرف عمومی و عامه دارند و گاهی تنها شهرت نویسنده را سبب می‌شوند و ارزش نوآوری علمی نمی‌توان برای‌شان قائل شد.

عالمان امروزه بسیار محتاج کوچک‌نوشته‌ای هستند که تنها «تازه‌های» علوم اسلامی را عرضه‌شان کند؛ جامع و مانع و کارگشا.

فاصله‌ها و کارشناسان واسطه

فضای مرجعیت در جهان تشیع به مسیری تازه کشیده شده، مراجعات به فقها و اساتید مبرّز به حدّی زیاد شده، فاصله پدید آمده خود به خود. وقتی تقاضا زیاد شود، دیگر نمی‌تواند مرجع جهان تشیع مثل گذشته به خیابان برود و قدم بزند، ملاقات بگذارد و بار عامّ دهد. از هر سو هجوم مردم و طلاب و علاقه‌مندان اسیر می‌کند بنده خدا را.

دفاتر مرجعیت و بیوت فاصله‌ها را پر می‌کند، فاصله‌هایی که حکایت از استقبال و اُبّهت مرجعیت در نزد قوم دارد. فاصله‌ها با آدم‌هایی پر می‌شود که «انسان» هستند. گاهی چیزی را در انتقال فراموش می‌کنند، یا در بیان نقصی بر مطلب وارد کرده، جور دیگر ذکر می‌نمایند. گاهی اصلاً مطلبی را شایسته طرح در ساحت مرجعیت نمی‌شناسند و چیزی را که مهم است کم اهمیت تشخیص می‌دهند.

واسطه‌ها اگر چه کارشناس هستند در کار خود، اما انسان هستند و برداشت خود را دارند، قوه درآکهای که می‌تواند گاهی به خطا رفته و نظریه جدید یا خطیری را به استحضار فقیه و عالم مزبور نرساند.

در این شرایط، چقدر آن نظریه خلاقانه باید پشت درهای بسته منتظر بماند، چقدر باید در جامعه بالا و پایین برود، تا به حدّ تواتر برسد و بی‌نیاز از واسطه‌ها مورد استماع جبری عالم جلیل‌القدر قرار گیرد؟! در این مدت اگر انحراف باشد چه می‌کند؟! و اگر مفید باشد چه ضایعه‌ای مترتب است بر تأخیر در تلقّی آن؟!

این است که اگر مجرای باز شود برای طرح آخرین نوآوری‌ها و تضارب و نقد آراء، مسیری که بتواند واسطه‌ها را دور بزند و مستقیم در اختیار عالم قرار گیرد، پرسش این است که تا چه اندازه می‌تواند مفید و راهگشا باشد؟!

آیندگان و اطلاع‌رسانی صحیح

امروز که تاریخ را می‌خوانیم، تاریخ علم را، معمولاً گرفتار اختلافات و تفاوت‌ها در بیان اندیشه‌ها می‌شویم. آخر سر هم نمی‌توانیم قسم حضرت عباس بخوریم که فلان مطلب آیا دقیقاً نظریه شیخ بوده است یا خیر! مگر آن‌که فلان عالم نگارشی داشته و مکتوبی که رأی و نظر خود را در آن قلمی نموده باشد.

می‌دانیم در عمل چنین چیزی کم‌تر واقع شده. بسیاری از نظریات را علما شفاهی بیان می‌نمایند و در عصر خودشان، آن‌چنان رونق می‌یابد و رواج که در کتب سایرین نگاشته می‌شود و به واسطه املاء یا تقریر به دست آیندگان می‌رسد.

حتی کتاب‌هایی که نوشته شده نیز تامّ نیست و علما در سنوات بعد و در دوره‌های بعدی تدریس، چیزهایی بر نوشته‌های خود افزوده یا از آن می‌کاهند که تنها طریق ما برای دستیابی به آن‌ها، ذکرشان در کلمات سایرین است. سایرینی که چه شاگرد بوده و چه ناقد، در هر صورت برداشت ادراکی خود را بدون حساب و کتابی قاعده‌مند، بر فهم رأی مذکور حاکم نموده و مطلب را آن گونه که می‌دانسته و می‌فهمیده‌اند تفسیر و تبیین کرده‌اند.

امروز نیز ما از چنین گرفتاری دور نخواهیم بود و دیری نخواهد پایید که آیندگان برای دانستن رأی و نظر اندیشمندان عصر ما ناچار به معدل‌گیری میان قرائت‌های متفاوتی خواهند بود که از سوی بسیاری از «سایرین» بیان شده. دستیابی به آرائی که در عصر ما کاملاً رواج یافته است، در اعصار بعد به این سادگی نخواهد بود.

اما اگر نهادی وجود داشته باشد که بنای خود را بر ثبت و ضبط و اطلاع‌رسانی دقیق و بدون تغییر اندیشه‌های نو بگذارد، در ساحت علوم اسلامی البته، مطلب کاملاً

نهادی که اساس کار آن «عدم تصرف» در مطلب باشد و هویت آن «تجمیع جامع و مانع تمامی حرف‌های تازه»، حرف‌ها و نظریاتی که در تمامی رشته‌های علوم اسلامی مطرح گردیده و می‌گردد، چنین نهادی تا چه اندازه ضرورت دارد و چقدر می‌تواند در حل معضلاتی که ذکر شد مفید محسوب شود؟!

چه مکان و موقعیتی برای تأسیس چنین سازوکاری مناسب‌تر است؟! آیا جامعه مدرسین می‌تواند مَحمل مناسبی برای این ابزار اسلامی باشد؟! آیا غیر از جامعه مدرسین ساحت دیگری برای چنین فعالیتی می‌توان یافت؟!

این‌ها پرسش‌های مهمی است که این وجیزه قصد طرح آن‌ها و ایجاد تأمل و تدبّر در یافتن پاسخ برای آنان دارد و شما، مخاطب این نوشته، اگر مجال و فرصتی فراهم کنی و تا انتهای مطلب با نگارنده همراه شوی، امید است فضای جدیدی در ذهن خود بگستری و به این موضوع با نگاهی جدید و از منظری نو بنگری. هر چه خدا خواهد و او پسندد، بلکه عنایت او حلال مشکل شود و همدلی و همفکری بر این معنا حاصل گردد.



شورای جمع آوری مستند آراء؛ صحیح و غلط

معرفی «شورای حرف تازه»



گروهی از طلاب جوان؛ نه آنقدر استاد که یافتن شان دشوار باشد و وقت شان قیمت طلا داشته، و نه آنچنان ناآزموده که ساحت های مختلف علوم اسلامی را از هم تشخیص ندهند و طبقه بندی موضوعات علوم را ندانند.

این گروه اعضای شورایی هستند که وظیفه دارد تمامی «حرف های تازه» را جمع کند. تمامی مقالات منتشره را ببیند، کتاب ها را مطالعه کند، جزوات اساتید حوزه های علمیه را، هر جا را که می تواند بکاود و اگر مطلبی یافت که تا کنون طرح نشده، آنچه تازگی اش آن را در خور کرسی های نظریه پردازی نشان دهد، خلاصه هر چه حرف تازه محسوب گردد چه درست باشد و چه غلط، صحیح یا نادرست، جایی گرد آورد و نظام مند کند.

شورای حرف تازه قصد ندارد نقد نماید، قصد ندارد قرائت کند و برداشت خود را بر متن نظریه حاکم نماید. شورای حرف تازه هیچ اضافه و کاستی بر مطلب نمی نماید و تنها حاق آن چه بیان شده را ثبت می کند، جمع می کند و تدوین می نماید.

شورای حرف تازه مجموعه ای از طلاب دانش پژوه است که تمامی آراء نو و جدید و تازه را جمع آوری نموده، در موضوعات علمی و رشته ها و گرایش ها طبقه بندی کرده و در اختیار اهل فن می گذارد.

منشوره بسیار کوچکی که هر نظریه تازه را در چند خط بیان کرده، بیانی که از سوی نظریه پرداز بوده و تغییر معتنی بهی نیافته. منشوره مذکوره برای هر علم صفحه ای دارد. در اختیار خواص علما و فضلا قرار می گیرد و هر عالمی در فضای تفکر خویش، می تواند جدیدترین نظریات را ببیند. اما کار به همین جا ختم نمی شود!

هر اندیشمند می‌تواند نقد خود را پیوست نظریه مطروحه نماید. نقد یا نظر. ممکن است فرد مذکور رأی نوی داشته باشد مستقل از آنچه بیان شده، یا تنها نقد به ادله آنچه به عنوان نوآوری ثبت شده. اگر نوشته بدهد به شورا، در منشوره بعدی، با ارجاع کامل به اصل نظریه مندرج در شماره سابق، منتشر می‌شود.

اگر هم شفاهی بخواهد بیان کند، شورا واحدی مرتبط دارد که وظیفه‌اش جمع‌آوری شفاهی آراء است. کافیت یکی از بزرگان اندیشه اراده کند، کارگزاری به ملاقات رفته و رأی را دریافت می‌نماید و آنچه گرفته در شماره بعد نشر می‌یابد. تفصیل این تعاملات در طرح‌های تفصیلی تبیین خواهد شد.



اهداف تأسیس شورا

این شورا درصدد است «تضارب آراء» را تسریع بخشد و از اعصار و قرون و دهه‌ها به معاصرین سرایت دهد، با رساندن نظریات جدید به نظریه‌پردازان علوم اسلامی.

شورای حرف تازه فضایی تعاملی ایجاد می‌کند که به سرعت، تمامی آراء انحرافی شناسایی شده و از سوی متخصصین فن، آخرین‌ها، بالاترین‌ها، آنان‌که در مرزهای دانش قدم می‌زنند و فراتر از خود عالم معاصری نمی‌بینند، پاسخ داده شود.

شورای مذکور فاصله‌ها را کم می‌کند، واسطه‌ها را برمی‌چیند. مواعی که تحت عناوین متعدده مانع دیدار علمی و ملاقات و مباحثات و مذاکرات فی‌مابین علما و مراجع شده است برمی‌دارد. راهی مستقیم به درون بیوت می‌گشاید و ارتباط اندیشه‌ها را آسان می‌کند.

گاهی فاصله‌ها حقیقتاً زیاد است، جبل عامل حوزه علمیه دارد، لکهنوی هند هم دارد، شیعه در اقصی نقاط جهان متفکرین و اندیشمندانی دارد، کسانی که می‌توانند از آراء یکدیگر استفاده نمایند، از اندیشه‌های ناب حراست کرده و نظریه‌های یکدیگر را با نقد سازنده متعالی سازند.

هدف شورا ترجمه نظریات به زبان استاندارد
 علمای شیعه است و در اختیار تمامی حوزه‌های
 علمیه شیعه قرار دادن. فراموش نکنیم چه
 گرفتاری‌ها از فاصله‌های «ملّی» پدید
 آمده و مرزهای قلابی بین کشورها،
 چیزی که ساخته و پرداخته
 استعمار و استکبار انگلیس بوده،
 چه ضایعه‌ها برای اسلام عزیز
 حاصل کرده.

مثلاً شیخ فضل‌الله، عالم
 شیعی لبنان، فلان نظریه را
 درباره شهادت یکی از
 معصومین (ع) بیان می‌کند و
 چالشی حاصل می‌شود. اگر نظریه
 او به سرعت به سمع بزرگان بلاد
 دیگر برسد، پاسخ می‌دهند و مشکل را
 از ریشه حل می‌کنند و چالش را مانع
 می‌گردند.

هدف شورای حرف تازه این است که تمامی آراء معاصر را به دقت ثبت و ضبط نماید و برای آیندگان محفوظ
 بدارد، تا صد سال دیگر، دویست سال دیگر، چهارصد سال که گذشت، اختلاف نشود که نظریه امام خمینی (ره) در
 باب ولایت فقیه چه بود و نظر آیه‌الله اراکی چه؟! تا بگویند آیندگان: «خدا خیرشان بدهد، اعضای جامعه مدرسین را،
 شورای حرف تازه را راه انداختند و ما امروز به راحتی می‌توانیم اعتماد کنیم به آراء نقل شده از طریق آنان.
 مجموعه‌ای از ثقات بودند این بزرگان!»

وابستگی‌ها و حجّیت‌ها

چرا جامعه مدرسین؟! جامعه مدرسین نه،
 پس کجا؟! چنین شورایی لزوماً محتاج
 وابستگی است. وابستگی مشخصی که
 حجّیت به فعالیت آن بدهد.

رویه شورا بر وثوق و اعتماد خواهد بود، تا فضایی فارغ
 از شک و تردید ایجاد شود. شورای حرف تازه نباید خدشه‌ای در نقل و
 روایت آراء داشته باشد. اما این وثوق درونی چگونه بدون استناد بیرونی
 حجّیت یابد؟! «زراره» را هم تصدیق معصوم (ع) ثقه کرد.

از این روست که شورای مذکور باید تمامی حلقه‌های وابستگیِ حجّیت‌بخش را در خود داشته باشد.

گستره دانش‌های تحت نظارت

دو گستره در فعالیت شورا
مطمح نظر است. از یک سو فضای
مطالعاتی اعضای شورا باید تا کجا
باشد؟! این گستره تمامی علوم اسلامی را شامل
می‌گردد. علوم اسلامی انحصار در فقه ندارد و شورا
نیز قصد فعالیت انحصاری در فقه و اصول و
معارف نقلی را نخواهد داشت.

تأکیدات مقام معظم رهبری بر رشد و
تعالی حوزه در ساحت‌های تفسیر و علوم قرآنی،
فلسفه و علوم عقلی، و تلاش‌های گذشته و معاصر
اندیشمندان حوزوی در تمامی این حیطه‌ها، گستره
فعالیت شورا را وسعت می‌بخشد و از حریم فقه و
اجتهاد فراتر می‌برد.

اگر روزی ریاضیات و نجوم نیز داخل در علوم اسلامی تلقی شده و موضوع مذاکرات و مطالعات و مباحثات
حوزوی قرار گرفت، داخل در گستره فعالیت شورای حرف تازه شده و در گستره دانش‌های تحت نظارت فرض
خواهد شد.

اما در بادئ امر، محور فعالیت شورا علمی خواهد بود که مدّعی و نظریه‌پرداز بیشتر دارد و حرف تازه در آن‌ها
بیشتر زده می‌شود. عصر ما هم به دلیل قرار گرفتن در نقطه عطف تغییر شتابان علوم غربی، دانش و فن‌آوری، محور
فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه کلام جدید، عقاید و شبهات دینی،
فلسفه و منطق و شناخت‌شناسی شده است. فقه به شدت با
مسائل مستحدثه جدید مواجه گردیده و علم اصول نیز متوجه
تحولاتی شده است. فشار هرمنوتیک بر علم اصول فقه
غیرقابل اغماض گردیده و بستری برای حرف‌های تازه گشوده
است.

شورای حرف تازه کار خود را از علوم پرتردّد آغاز می‌کند
و نظریه‌های نوین را آرشیو و اطلاع‌رسانی می‌کند.



گستره محیطی فعالیت شورا

محدود شدن به مرزهای جغرافیایی برای علم نادرست است. علم مرز ندارد. هر که قائل به مرز برای دانش باشد،
قطعاً نادان و جاهل است و شأن دانش را درک نکرده است.

حوزه علمیه شیعه منحصر به قم و نجف نبوده و نیست. علمای حله اگر روزگاری در صدر بودند، امروز هم چندان دور نیستند از بطن علم و دانش. هند هم اندیشمند حوزوی دارد. شیعه فارغ از فرقه‌های درونی خود، حوزه‌های علمیه‌ای در سراسر جهان دارد. شورا نمی‌تواند از این گستره‌های محیطی دور شود و تجاهل کند.

حتی دانشگاه‌های دنیا. چه بسیار مراکز علمی فعال در علوم اسلامی که ساختار تشکیلاتی خود را به تبع محیط جهانی تغییر داده و از شکل حوزوی به دانشگاهی تغییر داده‌اند. چه بسا در مالزی و اندونزی و کشورهای دیگر جهان بتوان نظریات جدیدی در ساحت علوم اسلامی یافت.

شورای حرف تازه اگر چه کار خود را از گستره محیطی کوچکی آغاز می‌کند، ولی مقیاس کار را جهانی می‌پندارد و نگاهی به وسعت کره زمین دارد. اگر متفکری شیعه و عالمی معتقد به شأن اهل بیت (ع) در اروپا و آمریکا پیدا شود که نظریات جدیدی را طرح نماید، باید که تجميع شده و ثبت و ضبط گردیده و به سمع اساتید فن برسد.

این می‌شود شأن جهانی حوزه علمیه شیعه.



الزامات پیش‌رو



دستیابی به چنین ابزاری، شورایی که بتواند چنین فعلی را حادث سازد، کمیته یا گروهی، انجمن و اتحادیه‌ای حتی، که قادر باشد حرف‌های تازه را به گوش اهل فن برساند و در حوزه علوم اسلامی حرف آخر را بزند، جایی که حجیت داشته باشد و مورد وثوق، حرفش ردخور نداشته و مولادرز منشوراتش نرود، سازوکار پیچیده‌ای دارد.

اساساً ورود در ساحت‌های «پذیرشی»، آن نهادهایی که نیاز به تجميع پسندهای اجتماعی دارند، مانند اصل انقلاب اسلامی، دشوار و زمان‌بر هستند. انقلاب اسلامی به تدریج صحت خود را اثبات کرد. ادعایی که سال ۴۲ عده اندکی را قانع می‌ساخت، همان گروه یا گروه‌هایی که حماسه ۱۵ خرداد را شکل دادند، پانزده سال طول کشید تا سی میلیون جمعیت این کشور را با خود متحد سازد. و این نبود جز از ره‌آورد صبر و استقامت بر سبیل هدایت و جدا نشدن از روش و منش انبیاء و صالحین.

همیشه هر مجموعه جدید، در وهله حدود خویش، متوجه موافقت‌ها و مخالفت‌هایی خواهد بود، پسندها و نپسندیدن‌ها، اعتماد کردن‌ها و بدگمانی‌ها. آنان که تجربه‌های بد داشته‌اند همیشه دیرتر اعتماد می‌کنند و شورای حرف تازه به شدت به اعتماد همه گروه‌های علمی در تمامی حوزه‌های علمی نیازمند است.



شورای حرف تازه خود را ملزم می‌داند که مورد پسند واقع شود، مقبول گردد و اعتماد بزرگان دین را جلب کند. هر عالم شیعی باید بداند که شورای حرف تازه داعیه‌دار هیچ جریان خاص علمی نیست و نمی‌خواهد برتری گروهی بر گروهی دیگر، قبیله‌ای بر قبیله‌ای دیگر، حزبی بر حزبی دیگر، جناحی بر جناحی دیگر، کشوری بر کشوری دیگر را رقم بزند. شورای حرف تازه باید بی‌طرفی خود را در عمل به اثبات برساند که به حرف نتواند.



این شورا نخست باید مورد پسند خواص جامعه مدرسین قرار گیرد، اعضای اندیشمند و فاضل. سپس باید سازوکار تأسیس آن از ره‌آورد تنظیم و تبویب طرح‌های تفصیلی حاصل شود. گروهی موظف شوند کار را پی‌گیری نموده و اولین منشوره شورای حرف تازه را با بررسی اقوال معاصر تولید نمایند. این جزوه همراه با تشریفات درخور، در دیداری کاملاً حساب‌شده و با حضور معتمدینی از جامعه مدرسین، به عرض مراجع و بزرگان می‌رسد؛ افرادی که مخاطب شورا باشند و در فهرست اعلام.

مراحل بعدی فعالیت شورای حرف تازه باید در نگاره‌های مفصل تبیین شود. این نوشته، اولیات را برای بیان و ارائه در بر گرفت. نگارنده قصد داشت اصل ایده را در این مختصره بیان کند، سازوکار پیاده‌سازی چنین شورایی، خود حدیث مفصلی است و گروه‌های کاری شایسته و توانمند برای طراحی می‌طلبند. ح

